تحلیل رابطه بین ناسازی در سطح میدان برون‌دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی

علی‌اصغر فیروزجائیان،* بهزاد هاشمیان**

چکیده

بیگانگی دانشگاهی به‌عنوان یکی از اشکال بیگانگی اصطلاحی برای توضیح و جدایی دانشجویان از فرایند یادگیری و تحصیل است و آن وضعیت یا تجربهٔ منزوی‌بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی که شخص باید به آن تعلق داشته باشد عنوان شده است. در این تحقیق هدف اصلی سنجش بیگانگی دانشگاهی و ابعاد آن در میان دانشجویان از یک طرف و تحلیل رابطهٔ ناسازی در سطح میدان برون دانشگاهی با بیگانگی از طرف دیگر می‌باشد. تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایش انجام گردیده و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامهٔ خوداجرا استفاده شده است. جامعهٔ آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه مازندران بوده‌اند که با استفاده از شیوهٔ نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و براساس فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای برابر با ۳۹۰ نفر از دانشجویان انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین شاخص‌های میدان برون‌دانشگاهی (ابهام‌اشتغال، مدرک‌گرایی، بحران منزلت) با بیگانگی دانشگاهی رابطهٔ مثبت وجود دارد. همچنین مطابق با نتایج آزمون مدل نظری تحقیق میدان برون‌دانشگاهی به همراه مؤلفه‌هایش توانسته‌اند ۰/۴۹ از تغییرات بیگانگی دانشگاهی را مورد تبیین قرار دهند. براساس نظریهٔ ناسازی بوردیو که چارچوب نظری این پژوهش است و با استناد به یافته‌های تحقیق در شرایط تعادل بین میدان‌های برون‌دانشگاهی (ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی، بحران منزلت) و عادت‌وارهٔ دانشجویان تناسب وجود دارد اما وقتی در میدان‌های برون دانشگاهی تغییری ایجاد شود عادت‌واره در شرایط عدم تعادل قدرت تطبیق‌پذیری خود را از دست می‌دهد و در این وضعیت ناسازی یا بیگانگی دانشگاهی رخ می‌دهد. در حقیقت دانشجویان تحت تأثیر وضعیت میدان‌هایی که آنها را احاطه کرده است سرمایهٔ فرهنگی خود را در خطر دیده و عکس‌العمل آنها نسبت به ناسازی در میدان‌های برون‌دانشگاهی، بیگانگی دانشگاهی است.

کلیدواژه‌ها: بیگانگی، بیگانگی دانشگاهی، ناسازی، میدان دانشگاهی.

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) A.firozjayan@umz.ac.ir

** کارشناس ارشد مطالعات جوانان دانشگاه مازندران behzad.hashemi68@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۵

مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۵-۱۵۷

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

۱. مقدمه و طرح مسئله

بیگانگی[1] از مفاهیمی است که در تاریخ تفکر اجتماعی قدمت و سابقه طولانی دارد. اریش فروم معتقد است تاریخ بیگانگی به پیامبران عهد عتیق برمی‌گردد (نادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۹). هگل را شاید بتوان نخستین اندیشمندی به شمار آورد که بحثی فلسفی و گسترده در باب مفهوم بیگانگی انجام داده است. مارکس بیگانگی را ناشی از شیوه‌های تولید و روابط طبقات حاکم در جوامع سرمایه‌داری به کار می‌برد (وثوقی و ساری، ۱۳۸۷: ۱۷۴). در تفکر آرای غالب جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی واقعیت‌گرا بیگانگی به‌مثابهٔ مانعی در راه مشارکت فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی مطرح گردیده است (لیپست، ۱۹۸۸؛ کنیستون[2]، ۱۹۸۵؛ جانسون، ۱۹۸۳). به نظر ملوین سیمن[3] ساختار دیوان‌سالاری جامعهٔ مدرن شرایطی را ایجاد و ابقا کرده که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری و کنترل عواقب و رفتارهای خود نیستند. در چنین وضعیتی احساس بیگانگی به فرد دست می‌دهد و او را به حالت ناسازگارانه در برابر جامعه سوق می‌دهد (حاجی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۸). امروزه کاربرد مفهوم بیگانگی در مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به نحو بارزی متنوع و متفاوت است و از مطالعهٔ کشمکش‌ها و بدبختی‌ها در زندگی شخصی تا تحلیل ناآرامی‌های دانشجویی در دانشگاه و طغیان نسل جوان و نیز از دیکتاتوری تا ظهور فاشیسم و نازیسم را دربرمی‌گیرد (زکی، ۱۳۸۸: ۲۷).

یگانگی تحصیلی یا دانشگاهی[4] به‌عنوان یکی از اشکال بیگانگی اصطلاحی است که برای توضیح و جدایی دانشجویان از فرایند یادگیری استفاده می‌شود و آن را وضعیت یا تجربهٔ منزوی‌بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی که شخص باید به آن تعلق یا درگیر آن باشد تعریف کرده‌اند (جانسون، ۲۰۰۵: ۱۷۹). در این باره می‌توان چهار جنبهٔ اساسی بیگانگی تحصیلی یا دانشگاهی را نام برد که عبارتند از بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی و انزوای اجتماعی. بی‌قدرتی به احساس دانشجو از عدم کنترل یا دخالت شخصی در یادگیری اطلاق می‌شود، بی‌هنجاری در واقع نمود و فقدان رفتار قانونمند را انعکاس می‌دهد، بی‌معنایی حاکی از برداشت دانشجویان بیگانه‌شده از برنامه‌های آموزشی به‌عنوان یکسری مطالب بی‌ربط نیازهای امروز و آینده‌شان است و تنهایی و جدایی از همسالان و اساتید جنبهٔ انزوای اجتماعی را مشخص می‌کند (موسوی و حیدرپور، ۱۳۹۰: ۳۷).

1. Alienation
2. Kingston
3. Melvin Semen
4. Academic Alienation

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

ظهور دانشگاه و مراکز آموزش عالی به شکل کنونی پدیدهٔ دورهٔ مدرنیته است. دانشگاه‌ها به روایت فیلسوفان روشنگری حلقهٔ اتصال ضروری بین عقل و پیشرفت شناخته می‌شوند که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از پروژهٔ بزرگ مدرنیته، دانش را برای منافع جامعه تولید و بازتولید می‌کنند (مک لین[1]، ۲۰۰۶، به نقل از عمرانی، ۱۳۹۳: ۱). دانشگاه نهادی است که نقش کلیدی و حیاتی در تولید دانش و فهم، توسعهٔ فرهنگ و تمدن و حل مسائل جامعهٔ مدرن دارد. مهم‌ترین کارکرد دانشگاه، تولید انسان دانشگاهی و هویت دانشگاهی فرهیخته و توانمندی است که به‌عنوان پیشاهنگان علم عمل می‌کنند (جانسون، ۱۳۷۸). در جامعهٔ مدرن، واقعیت و ایدهٔ دانشگاه جایگاه و مرجعیتی مرکزی و حیاتی در توسعهٔ دانش، فرهنگ و اجتماع دارد. فرهنگ دانشگاهی مؤثر و توانمند بی‌شک یکی از ستون‌های معبد جدید دانش است. فرهنگ دانشگاه ضعیف و ناکارا، انسان و هویت دانشگاهی ضعیف و علیل تولید می‌کند (ذکایی، ۱۳۹۳: ۱). مطالعاتی که در زمینهٔ علم‌پژوهی و فرهنگ آموزش عالی در ایران صورت گرفته است (قانعی‌راد، ۱۳۷۹؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۱؛ قاضی طباطبایی، ۱۳۸۰؛ طایفی، ۱۳۷۸؛ فاضلی، ۱۳۸۱)، همگی نشان از جامعه‌پذیری دانشگاهی ناکارآمد و منفعل در میان دانشجویان دانشگاه‌های ایران دارند.

امروزه بسیاری از دانشجویان احساس می‌کنند که خارج از محیط دانشگاه هستند. فقدان شناخت محیط دانشگاه، ارزش‌های پردیس، دسترسی به منابع مالی و انسانی و آشنایی با اصطلاح‌شناسی و کارکرد کلی نظام آموزش عالی همگی موجب واردشدن شوک فرهنگی و دلزدگی دانشجویان نسبت به دانشگاه می‌شود و احتمال اینکه دانشجویان در حاشیه قرار بگیرند و زودتر محیط دانشگاه را ترک کنند یا احساس رشد نداشته باشند بیشتر است (دروتوس[2]، ۲۰۱۱: ۴۹-۴۷). شواهد نشان می‌دهد که احساس‌ها و نگرش‌هایی نظیر خستگی و عذاب در کلاس درس، عدم درگیرشدن عمیق در مباحث کلاسی، غیبت‌های غیرموجه، سرقت علمی و کپی‌برداری از آثار دیگران برای ارائهٔ کارنوشت یا مقاله به استاد، طولانی‌شدن فرایند تکمیل پایان‌نامه، احساس بیهودگی تحصیل در رشته‌های علوم انسانی، بی‌رغبتی در انجام پایان‌نامه متناسب با مقطع تحصیلی و داشتن زندگی ذهنی و غیرواقعی و طرد واقعیت‌های جامعهٔ ایران و احساس عدم کنترل فردی به زندگی و هویت فردی‌ـاجتماعی و دیگر عوامل موجب بروز بیگانگی در میان دانشجویان نسبت به تحصیل و دانشگاه شده است (ذکایی، ۱۳۸۸: ۵۶).

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که امروزه جامعهٔ ایران با یکسری مسائل اعم از ناکارآمدی نیروی انسانی متخصص، مدرک‌گرایی، عدم ارتباط محتوای درسی با نیازهای واقعی جامعه، عدم دلگرمی دانشجویان نسبت به تحصیلات عالی و انفعال و بی‌انگیزگی دانشجویان در فعالیت‌های

1. Mclean
2. Drotos

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

گروهی و بی‌رغبتی در انجام فعالیت علمی روبه‌روست (قانعی‌راد، ۱۳۸۳: ۱۷). اهمیت موضوع آنجاست که بیگانگی از دانشگاه مانع از رشد و تعالی فرد و جامعه می‌شود همچنین منجر به پایین‌آمدن عملکرد تحصیلی دانشجویان، جدایی از فرآیند آموزش و دانشگاه، عدم مشارکت در مسائل علمی، ازدست‌رفتن سلامت جسمی و روانی دانشجویان، عدم تعهد نسبت به برنامه‌ها و اهداف توسعه آموزشی و اجتماعی از جانب دانشجویان، افزایش احساس دوگانگی، آشفتگی، ناامیدی، بی‌اعتمادی و جدایی از فرهنگ دانشگاهی می‌شود (موسوی و حیدر پورمرند، ۱۳۹۰: ۳۹). از لحاظ عاطفی و فردی نیز موجب اعتمادبه‌نفس پایین، احساس بی‌حوصلگی، احساس عدم تعلق، بی‌انگیزگی و بلاتکلیفی در میان دانشجویان می‌شود (سیسین[1]، ۲۰۰۶: ۷۲۲).

لذا با توجه به اهمیت موضوع پژوهش و با پشتوانهٔ نظریه ناسازی بوردیو پرسش‌های زیر در کانون توجه این تحقیق قرار دارند:

۱) بررسی پدیدهٔ بیگانگی دانشگاهی و ابعاد آن در بین دانشجویان.

۲) تحلیل رابطه‌ای ناسازی در سطح میدان برون‌دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی.

۲. پیشینه تجربی

پدیده‌های اجتماعی وابسته به گذشته‌اند و در زنجیره‌ای از تداوم جای می‌گیرند، هویت آنان بدون درنظرگرفتن گذشته‌ای که در آن تکوین و تبلور یافته‌اند، به دست خواهد آمد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۴۶). تحقیقات تجربی متعددی در حوزهٔ بیگانگی و گونه‌های مختلف آن صورت گرفته است که تمرکز بیشتر این تحقیقات روی بیگانگی اجتماعی بوده است. در زیر به برخی از مهم‌ترین این تحقیقات می‌پردازیم.

1. Cecen

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

جدول ۱. مشخصات روش‌شناسانه تحقیقات داخلی

نام محقق وسال	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری	ابزار جمع آوری اطلاعات	عوامل مؤثر بر بیگانگی
کلدی و صفی پور (۱۳۸۱)	تحلیل ازخودبیگانگی	پیمایش	۳۳۶	نمونه گیری تصادفی	پرسشنامه	زندگی درکلان شهر، واقعیات اجتماعی
فاضلی (۱۳۸۲)	ناکامی آموزش دانشگاهی	توصیفی- تحلیلی	-	-	کتابخانه‌ای	ریشه در فرهنگ دانشگاهی متفاوت
رحمان پور (۱۳۸۹)	بیگانگی اجتماعی جوانان	پیمایش	۳۸۴	خوشه ای	پرسشنامه	وسایل ارتباط جمعی، فردگرای
موسوی و حیدرپور (۱۳۹۰)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۳۵۹	طبقه‌ای و تصادفی	پرسشنامه	مدرک گرایی، ایدئولوزیک بودن نظام آموزشی، محدودیت‌های هنجاری
ذکایی و اسماعیلی (۱۳۹۰)	بیگانگی تحصیلی	کیفی (پدیدارشناسی)	۴۰	نظری- هدفمند	مصاحبه-میدانی	فرهنگ، فاصله گزینی، تطابق با انتظارات، انگیزه اقتصادی، فرهنگ آموزشی
توفیقان و حسینی (۱۳۹۰)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۶۰	طبقه‌ای متناسب باحجم	پرسشنامه	اعتماداجتماعی،گرایشات مذهبی،
ابدالی (۱۳۹۰)	ازخود بیگانگی	پیمایش	۱۵۰	سهمیه‌ای	پرسشنامه	سن،جنس، بی‌معنایی، بی‌قدرتی
بنی فاطمه (۱۳۹۰)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۸۷	طبقه‌ای متناسب	پرسشنامه	اعتماد اجتماعی،پایگاه اجتماعی- اقتصادی
وثوقی و ساری (۱۳۹۲)	بیگانگی اجتماعی جوانان	پیمایش	۳۷۵	چند مرحله‌ای	پرسشنامه	بی هنجاری، بی معنایی، تضعیف تعهد جمعی
حمدی (۱۳۹۲)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۷۱۹	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، جنسیت
جعفری (۱۳۹۳)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۱۳۷	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	ناکارمدی برنامه‌ای، پایین بودن منزلت تحصیلی، ضعف توانایی دانشگاه در ایجاد توسعه

در بررسی‌های انجام‌گرفته در میان تحقیقات داخلی آمارها نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام‌گرفته بیگانگی را به‌صورت کلی مورد مطالعه قرار داده‌اند. از نتایج تحقیقات داخلی صورت‌گرفته می‌توان به درصد بالای بیگانگی قشر جوان از نهادها و روابط اجتماعی و بیگانگی ازخود و به لحاظ ابعاد بیگانگی در بُعد بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، بی‌معنای و بی‌قدرتی اشاره کرد. همچنین از نتایج دیگر تحقیقات داخلی می‌توان به عواملی چون بی‌اعتمادی اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی، هم‌نوایی‌اجتماعی، عدم رضایت از زندگی، ضعف نظام اقتصادی، ضعف سرمایهٔ اجتماعی و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

تضعیف تعهد جمعی در بین افراد جامعه اشاره کرد که در روند بیگانگی اجتماعی و تحصیلی افراد تأثیرگذار بوده‌اند. در تحقیقات داخلی فقط برخی مطالعات (موسوی و حیدرپور مرند، ۱۳۹۰؛ ذکایی و اسماعیلی، ۱۳۹۰) به جریان بیگانگی دانشگاهی، عوامل و ابعاد آن پرداخته‌اند. حمدی (۱۳۹۲) و جعفری (۱۳۹۳) بیگانگی تحصیلی را با توجه به ابعاد پنج‌گانهٔ سیمن در حوزهٔ روان‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند و اکثر تحقیقات داخلی دیگر (کلدی و صفی‌پور، ۱۳۸۱؛ رحمان‌پور، ۱۳۸۹؛ توفیقیان‌فر و حسینی، ۱۳۹۰؛ بنی‌فاطمه، ۱۳۹۰؛ ابدالی، ۱۳۹۰؛ وثوقی، ۱۳۹۲) به بررسی بیگانگی و بیگانگی اجتماعی جوانان پرداخته‌اند.

جدول ۲. مشخصات روش شناسانه تحقیقات خارجی

نام محقق و سال	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری	ابزار جمع آوری	عوامل مؤثر بر بیگانگی
فراسر و اکسلز (۱۹۹۵)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۱۳۷۲	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	پرسشنامه	انگیزه و رفتار تحصیلی، سلامت روانی، دخالت والدین
ایجن لی (۲۰۰۳)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	-	-	پرسشنامه	عدم اعتماد فرهنگی، ویژگی‌های نژادی، عدم حمایت اجتماعی، احساس عدم اثر بخشی، نارضایتی شخصی
هاکائوشی (۲۰۰۴)	عوامل بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۵۵۰	نمونه‌گیری طبقه‌ای	پرسشنامه	پایگاه اجتماعی اقتصادی، تعلقات به خانواده
روایی و همکاران (۲۰۰۵)	بیگانگی در جامعه	پیمایشی	۱۱۷	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	آموزش مجازی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، قومیت
جانسون (۲۰۰۵)	بیگانگی دانشجویان	پیمایش		نمونه‌گیری طبقه‌ای	پرسشنامه	استفاده از وب، عدم احساس تعلق به دانشگاه، بی علاقگی به رشته
سیسین (۲۰۰۶)	بیگانگی و بیزاری	پیمایش	۳۰۰	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	جنسیت، میزان پرخاشگری، پایگاه اجتماعی و اقتصادی
رایس و همکاران (۲۰۰۸)	عوامل بیگانگی	پیمایش	۵۲۰۵	طبقه‌ای چندمرحله‌ای	پرسشنامه	احساس انزوا، کمبود قابلیت اعتماد و ناتوانی
کومار (۲۰۱۱)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۴۰۰	طبقه‌ای متناسب با	پرسشنامه	اختلالات و مشکلات بصری ، مشکلات عملکردی
صفی پور (۲۰۱۱)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۴۴۴	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	مهاجرت، عدم پایبندی به هنجارها
کیویتیسی (۲۰۱۱)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۵۰۰	تصادفی ساده	پرسشنامه	تمرد از تحصیل، بی علاقگی، عدم حمایت اجتماعی و حمایت خانواده
آتنافو (۲۰۱۲)	نقش انگیزه و بیگانگی تحصیلی	پیمایش		نمونه گیری تصادفی هدفمند	پرسشنامه	جنسیت، سطح تحصیلی پایین، عامل انگیزه بیرونی، عدم حمایت اجتماعی

از نتایج تحقیقات خارجی می‌توان به عواملی چون احساس تعلق نداشتن به جامعه، بی‌تعهدی اجتماعی و پایگاه اجتماعی‌ـاقتصادی اشاره کرد که در بیگانگی اجتماعی و بیگانگی تحصیلی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

افراد جامعه، بخصوص قشر جوان تأثیرگذارند. در مطالعات خارجی به تمایز بین دو رویکرد خرد و کلان اشاره شده است. مطالعاتی که با چارچوب کلان به رابطهٔ بین بیگانگی و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌پردازند و درواقع مفهوم بیگانگی را در قالب طرد اجتماعی تحلیل می‌کنند (جانسون، ۲۰۰۵؛ کیوتیسیی، ۲۰۱۱؛ کومار، ۲۰۱۱؛ صفی‌پور، ۲۰۱۱؛ آتنافو، ۲۰۱۲). اما آن دسته از تحقیقاتی که بر بعد تحصیلی، آموزشی و تجربیات دانشجویان برای درک الگوهای احتمالی بیگانگی تأکید می‌کنند درواقع گروه‌های کوچک در بستر مشخص مانند دانشگاه را مورد بررسی قرار داده‌اند (فراسر و اکسلز، ۱۹۹۵؛ ایجن لی، ۲۰۰۳؛ هاکوئوشی، ۲۰۰۴؛ روایی و همکاران، ۲۰۰۵؛ سیسین، ۲۰۰۶؛ رایس و همکاران، ۲۰۰۸).

۳. چارچوب نظری تحقیق

در این پژوهش برای بررسی دقیق‌تر پدیده بیگانگی دانشگاهی و رابطهٔ آن با ناسازی در سطح میدان برون‌دانشگاهی، از نظریهٔ ناسازی (هیسترسیس[1]) بوردیو استفاده شده است.

بوردیو جامعه را فضایی اجتماعی مرکب از مجموعهٔ به‌هم‌پیوسته از میدان‌ها (ساختارها) و افراد دارای عادت‌واره‌های مرتبط با میدان می‌داند که به‌عنوان کنشگر در قالب قواعد حاکم بر میدان‌های اجتماعی و طبق عادت‌واره‌های خود در جهت دستیابی به انواع سرمایه‌ها با هم در تعامل و رقابت قرار دارند. کنشگران با تعاملات و کنش‌های خود در تثبیت یا تغییر فضای اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. بنابراین فرد موجودی مختار و در عین حال مجبور است. فرد در فضای اجتماعی و در قالب میدان اجتماعی به کسب عادت‌واره نائل می‌آید و تحت تأثیر شرایط ساختاری و ویژگی‌های فردی اعم از روانی و ذهنی‌ـشخصیتی عمل می‌کند، عمل او برآیند ویژگی‌های محیطی و فردی اوست (بوردیو، ۱۹۸۷، به نقل از گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۵).

ناسازی یا هیستریس اصطلاحی است که بوردیو برای تأکید بر وجود عقب افتادگی فرهنگی یا انفصال بین منش‌های عادتی یا عادت‌واره‌ها و قواعد تعیین‌کننده و ملزومات مربوط به میدان به کار برده است. به عبارت دقیق‌تر، بوردیو این انفصال بین عادت‌واره و میدان را هیسترسیس یا ناسازی می‌نامد. در چنین مواردی، مقررات موجب کژکارکردی افراد می‌شود و تلاش‌هایی که آنها با آن از خودشان تعریفی همیشگی و معمولی ارائه می‌دهند موجب می‌شود که آنها هر چه بیشتر در ناکامی و شکست غوطه‌ور شوند. مفهوم ناسازی یا تمایز، اختلاف بین فرصت‌های جدید ناشی از تغییرات میدان و عامل‌هایی را به نمایش می‌گذارد که عادت‌واره‌هایشان آنها را موقتاً و حداقل در تشخیص ارزش موقعیت‌های جدید ناتوان می‌کند (مک دونوچ و پالزیر[2]، ۲۰۱۲: ۳۶۲). بوردیو معتقد است عادت‌واره‌ها عمدتاً بادوام هستند ولی ابدی و همیشگی

1. Hysteresis
2. Mcdonough & Polzer

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

نیستند که گاه ممکن است به این واقعیت ختم شوند که عادت‌واره‌ها با شرایط میدانی اصلاح‌شده منطبق نیستند و بوردیو آن را اثر هیسترسیس می‌نامد. یک مثال معمول این است که تضاد نسل در عادت‌واره‌ها موجب توسعهٔ عامل‌ها در برهه‌های زمانی متفاوت می‌شود (آسیماکی و کوتراسکی[1]، ۲۰۱۴: ۱۲۵).

به تعبیر بوردیو، عادت‌واره نظام و مجموعه‌ای از خوی و خصلت‌های ماندگار و قابل جابجایی است که از طریق آن می‌توان ادراک و داوری کرد و جهان پیرامون را شناخت (بوردیو، ۱۳۸۱). بوردیو عادت‌واره را برای تأکید بر نقش فعال کنشگر اجتماعی در ساخت واقعیت اجتماعی به کار برده است. عادت‌واره‌ها درک تلفیقی از تصورات، طرز فکر، احساسات، ارزیابی‌ها، طرز صحبت و کنشی است که کل ظاهر بیانی، شفاهی و عملی شخص را ساخت می‌دهد؛ درست مانند گرامر در زبان (والتر[2]، ۲۰۱۴: ۱۲).

بوردیو از میدان‌های اجتماعی[3] سخن می‌گوید، میدان‌هایی از قبیل دانشگاه، اقتصاد، ورزش و مدارس که قابل تقلیل به یکدیگر یا به سیستم منطقی بزرگ‌تری ـمثلاً سرمایه‌داریـ نیستند. در میدان دانشگاهی افرادی که براساس روابط اجتماعی تنظیم‌شده توسط دانشگاه‌ها، رشته‌های تخصصی و دانشکده‌ها جای گرفته‌اند حضور دارند که با استفاده از منابع در دسترسشان (مانند پیوندهای اجتماعی و دانش) بر سر مرجعیت، قدرت و پرستیژ با یکدیگر رقابت دارند. بوردیو اصرار دارد که هر میدانی به نوع خاصی از سرمایه یا منابع اهمیت می‌دهد. برای مثال، سرمایهٔ فرهنگی یا دانش و صلاحیت[4] در حوزهٔ آکادمیک بیش از اقتصاد ارزشمند تلقی شده و عاملی کلیدی در تلاش برای کسب برتری به حساب می‌آید (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۸).

مسئلهٔ ناسازی در نظریات بوردیو به دو صورت در دانشگاه‌ها می‌تواند رخ دهد. اول اینکه در نظریات بوردیو دانشگاه‌ها نهاد عمده‌ای هستند که در آن خشونت نمادین در مورد انسان‌ها اعمال می‌شود (ریتزر، ۱۳۸۹). دوم اینکه بوردیو دانشگاه‌ها را به‌مثابهٔ میدانی تلقی می‌کند که در بین اشغال‌کنندگان و جایگاه‌های درون میدان کشمکش‌ها و ناسازی‌ها به وجود می‌آید. افراد از طریق عادت‌واره یا ساختمان ذهنی سعی در حفظ بهبود جایگاه خود، درون میدان را دارند. عادت‌واره به طرح‌های تفسیری یا به نحو ضمنی به‌کارگرفته‌شده‌ای اشاره دارد که نحوهٔ کار جهان و نحوهٔ ارزیابی امور را به ما نشان می‌دهد و دستورالعمل‌هایی برای کنش ارائه می‌کند. بوردیو آنچه را سازندهٔ هویت دانشجویان است با مفهوم عادت یا مکان دانشگاهی توضیح می‌دهد. از نظر بوردیو عادت‌واره یا به عبارت دیگر عادت، منش و ساختمان ذهنی، ذوق و سلیقهٔ فرد

1. Asimaki & Koustourask
2. Walter
3. Social Fields
4. Credentials

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

دانشگاهی و دیگر امور حوزهٔ مناسب (کنش آکادمیک) و عناصر زیست دانشگاهی، درون فرد دانشگاهی متناسب با ساختار اجتماعی معین او شکل می‌گیرد. از این رو در جوامع مختلف عادت‌واره دانشگاهی مختلف شکل می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

مقولهٔ نسبت فرهنگ دانشگاهی و ازخودبیگانگی دانشگاهی را می‌توان با نظریهٔ سرمایهٔ فرهنگی بوردیو و دانشگاه به‌عنوان یک میدان فرهنگی اجتماعی مورد بررسی قرار داد. از نظر بوردیو، سرمایهٔ فرهنگی (مثل مدارک تحصیلی، رشته تحصیلی و نوع دانشگاه) تعیین‌کنندهٔ شانس‌های زندگی فرد بوده و در نظام شایسته‌سالاری دانشگاهی و تحصیلی، سلسله مراتب اجتماعی را سامان می‌دهد. به اعتقاد بوردیو منبع نابرابری در جامعه بیشتر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی و فاصله بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی شاگردان عامل مهمی در تعیین موفقیت آنها در نظام آموزشی محسوب می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۸۵) که از یک سو، فضاهای ساختمند قدرت‌اند و از سوی دیگر، صحنهٔ کشاکش و ناسازی‌های کنشگرانی است که در پی حفظ یا براندازی نظام موجود توزیع سرمایه هستند (واکووانت، ۱۳۸۱: ۳۳۶).

براساس نظریهٔ بوردیو در شرایط ناسازی، دانشجویان تحت تأثیر وضعیت میدان‌هایی که آنها را احاطه کرده است سرمایهٔ فرهنگی خود را در خطر دیده و عکس‌العمل آنها بیگانگی نسبت به آنها است. در حقیقت دانشجو در وضعیت نامتعادل میدان‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد که این وضعیت تطابق او را دچار چالش می‌کند و موجب نمایان‌شدن حالت ناسازی و بیگانگی می‌شود. درواقع دانشگاه به‌عنوان میدانی در نظر گرفته می‌شود که دانشجو برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی در آن تلاش می‌کند؛ اما در این میدان‌ها تغییراتی رخ می‌دهد که موجب شکل‌گیری منشی می‌شود که بوردیو آن را ناسازی یا بیگانگی می‌نامد.

شکل ۱. مدل نظری رابطهٔ بین ناسازی در میدان برون دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی

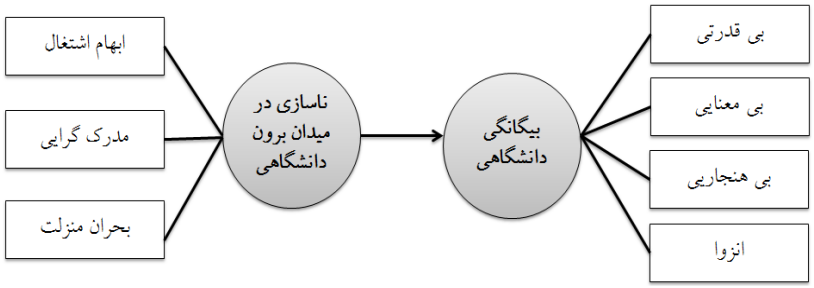

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

فرضیه‌ها

۱. بین ابهام اشتغال در دانشجویان و بیگانگی دانشگاهی آنها رابطه وجود دارد.
۲. بین مدرک‌گرایی دانشجویان و بیگانگی دانشگاهی آنها رابطه وجود دارد.
۳. بین بحران منزلت اجتماعی دانشجویان و بیگانگی دانشگاهی آنها رابطه وجود دارد.

٤. روش شناسی تحقیق

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر پیمایشی و از نوع مقطعی است.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوهٔ نمونه‌گیری

جامعهٔ آماری این تحقیق عبارت است از کلیه دانشجویان (۱۱۳۷۷ نفر) دانشگاه مازندران که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند. تعداد نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۹۰ نمونه تعیین شده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جمعیت استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز تحقیق حاضر از طریق ابزار پرسشنامه به روش میدانی جمع‌آوری شده است.

اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری

برای ارزیابی میزان اعتبار و روایی پرسشنامه از روش اعتبار صوری و برای سنجش میزان اعتماد و پایایی آن، پس از اجرای پیش آزمون پرسشنامه در یک نمونهٔ ۴۰ نفری، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۳. ضریب آلفای مقیاس‌های تحقیق

مقایس‌ها	تعداد گویه‌ها	α
بی قدرتی	۵	۰/۷۰
بی معنایی	۵	۰/۷۱
بی هنجاری	۶	۰/۶۹
احساس انزوا	۵	۰/۶۸
ابهام اشتغال	۵	۰/۷۵
مدرک گرایی	۵	۰/۷۷
بحران منزلت اجتماعی	۴	۰/۷۶

ضریب آلفای تمامی گویه‌های مربوط به تمام مقیاس‌ها و نیز مقیاس‌های کل در تحقیق، در محدودهٔ قابل قبول و بیش از ۰/۷۰ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

SPSS و برای آزمون مدل نظری از نرم‌افزار مدل‌سازی معادلات ساختاری AMOS استفاده شده است.

سنجه‌ها

در این تحقیق برای سنجش تر متغیر وابسته تحقیق (بیگانگی دانشگاهی) از شاخص‌های ملوین سیمن (بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری و احساس انزوا) استفاده شده است. در زیر به توضیح هر کدام از این شاخص‌ها می‌پردازیم.

بیگانگی دانشگاهی (متغیر وابسته): بیگانگی تحصیلی یا دانشگاهی به‌عنوان یکی از اشکال بیگانگی اصطلاحی است که برای توضیح و جدایی دانشجویان از فرایند یادگیری استفاده می‌شود و آن را وضعیت یا تجربهٔ منزوی‌بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی که شخص باید به آن تعلق داشته یا درگیر آن باشد تعریف کرده‌اند (جانسون، ۲۰۰۵: ۱۷۹). برای سنجش و اندازه‌گیری میزان بیگانگی دانشجویان نسبت به دانشگاه از چهار شاخص بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی و انزوای اجتماعی استفاده شده است. همچنین برای سنجش این چهار بعد از تحقیقات پیشین (ذکایی، ۱۳۹۳؛ جعفری، ۱۳۹۳؛ حمدی، ۱۳۹۲) استفاده شده است.

- **احساس بی‌قدرتی[1]:** احتمال یا انتظار فرد نسبت به بی‌تأثیری عمل خویش یا تصور اینکه رفتار او قادر به تحقق نتایج مورد انتظار نخواهد بود و او را به هدفی که در نظر دارد سوق نخواهد داد (توفیقیان‌فر و حسینی، ۱۳۹۱: ۴۹). در این تحقیق، برای سنجش بی‌قدرتی از معرف‌های عدم توانایی در انجام امور دانشگاهی و تحصیلی، ناتوانی در برابر مشکلات درسی، ناامیدی در رسیدن به اهداف و علایق، عدم کنترل بر دانسته‌های خود، بی‌تأثیری عمل خویش و عدم مشارکت در امور دانشگاهی استفاده شده است. برای سنجش متغیر بی‌قدرتی از پنج گویه استفاده شده است. دامنهٔ پاسخ‌ها شامل کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، و کاملاً مخالفم است.
- **احساس بی‌معنایی[2]:** در این شکل از بیگانگی فرد در باور و عقیدهٔ خود دچار شک و تردید و ابهام می‌شود. به این صورت که نمی‌داند به چه چیزی اعتقاد داشته باشد (توفیقیان فر و حسینی،۱۳۹۱:۴۹). در این تحقیق، برای سنجش بی‌معنایی از معرف‌های عدم درک و فهم از موقعیت و جایگاه و کنش فردی اجتماعی، تجربهٔ زندگی دانشگاهی، عدم اعتقاد به دیگران، بی‌هدفی تحصیلی، ابهام در آیندهٔ تحصیلی، عدم تناسب بین رشته تحصیی و نیاز اقتصادی، سردرگمی در فعالیت‌های دانشگاهی استفاده شده است. برای سنجش متغیر بی‌معنایی از پنج گویه استفاده شده است. دامنهٔ پاسخ‌ها کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، و کاملاً مخالفم است.

1. Feelings of Powerlessness
2. Feelings of Meaninglessness

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

- **احساس بی‌هنجاری[1]:** حالتی از بیگانگی است که طی آن فرد با سطح بالایی از انتظار، این را بر خود متصور می‌داند که نزدیک‌شدن به اهداف دلخواه تنها در گروه اعمال و رفتارهایی است که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده نیست (علمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در این تحقیق، برای سنجش بی‌هنجاری از معرف‌های عدم پیروی از قوانین موجود در دانشگاه، بی‌اهمیتی به قوانین و هنجارهای دانشگاهی، رعایت قوانین و هنجارهای دانشگاه به خاطر ترس از مجازات استفاده شده است. برای سنجش متغیر احساس بی‌هنجاری از شش گویه استفاده شده است. دامنهٔ پاسخ‌ها کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، و کاملاً مخالفم است.

- **احساس انزوا[2]:** واقعیتی فکری است که در آن فرد عدم تعلق و وابستگی و انفصال تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند (علمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در این بعد از بیگانگی فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است. به این صورت که شخص احساس تنهایی می‌کند و می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری کند. در این تحقیق، برای سنجش احساس انزوا از معرف‌های عدم همکاری و مشارکت با دیگران در انجام امور تحصیلی، تعاملات ضعیف با همکلاسی‌ها، دانشجویان دیگر، اساتید، و سیستم آموزشی و همچنین عدم شرکت در گروهای علمی دانشگاه استفاده شده است. برای سنجش متغیر احساس انزوا از پنج گویه استفاده شده است. دامنه پاسخ‌ها کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، و کاملاً مخالفم است.

ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی: ناسازی یا هیستریس اصطلاحی است که بوردیو برای تأکید بر وجود عقب‌افتادگی فرهنگی یا انفصال بین منش‌های عادتی یا عادت‌واره‌ها و قواعد تعیین‌کننده و ملزومات مربوط به میدان به کار برده است (مک دونوچ و پالزیر، ۲۰۱۲: ۳۶۲). براساس نظریه بوردیو در شرایط ناسازی، دانشجویان تحت تأثیر وضعیت میدان‌های برون دانشگاهی قرار می‌گیرند و سرمایهٔ فرهنگی خود را در خطر دیده و عکس‌العمل آنها ناسازی نسبت به آنها است. درواقع منش فرد تحت تأثیر میدان‌های بیرون از دانشگاه بخصوص میدان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قرار می‌گیرد. عدم تطابق بین میدان‌های برون دانشگاهی و منش‌های عادتی موجب گسست و ناسازی در بین دانشجویان می‌شود.

برای سنجش دقیق‌تر متغیر ناسازی در میدان برون دانشگاهی از شاخص‌های ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی و بحران منزلت استفاده شده است که در زیر به توضیح هرکدام از این شاخص‌ها می‌پردازیم.

1. Feelings of Normlessness
2. Feelings of Isolation

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

۱. ابهام اشتغال[1]: رشد بی‌رویهٔ تحصیلات در دانشگاه‌ها بدون توجه به یک چشم‌انداز آینده‌نگر برای اشتغال دانش‌آموختگان، سبب شده که تحصیلات دانشگاهی برای اکثر دانشجویان در پیداکردن شغل مناسب بسان یک دورهٔ نامعلوم و ابهام‌گونه باشد (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹). منظور از ابهام اشتغال احساس و نگرش منفی دانشجویان نسبت به آیندهٔ شغلی متناسب با تخصص است. برای سنجش متغیر ابهام اشتغال از پنج گویه استفاده شده است. دامنهٔ پاسخ‌ها کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، و کاملاً مخالفم است.

۲. مدرک‌گرایی[2]: در اکثر کشورهای جهان از مدارک تحصیلی به‌عنوان شیوه‌ای برای طبقه‌بندی و قشربندی افراد خصوصاً در گزینش افراد برای استخدام استفاده می‌شود. این واقعیت ملموس بحرانی را در جهان خلق کرده که رندل‌کالینز[3] جامعه‌شناس معاصر آمریکایی، آن را بحران مدرک[4] و جوامع با این ویژگی‌ها را جامعه مدرک‌گرا[5] و وضعیت و الگوی حاکم بر چنین جوامعی را مدرک‌گرایی یا مدرک‌مداری[6] می‌نامد (کالینز، ۱۹۷۹، به نقل از ودادهیر، ۱۳۸۰: ۱۸۰). محبوبیت مدرک در جامعه، درجه‌بندی و ارزیابی افراد براساس مدرک تحصیلی در جامعه، نگاه ابزاری به مدرک تحصیلی در جامعه. در پژوهش حاضر برای سنجش متغیر مدرک‌گرایی از پنج گویه استفاده شده است. دامنهٔ پاسخ‌ها کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، و کاملاً مخالفم است.

۳. بحران منزلت اجتماعی[7]: واژهٔ بحران که معادل Crisis از زبان انگلیسی است، از پزشکی وارد علوم اجتماعی و اقتصادی شده است. بحران شرایط غیرعادی است که در آن مشکلات ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده‌ای پدید می‌آید و در چنین شرایطی ضوابط و هنجارها و قوانین موسوم دیگر کارساز نیست (سعیدی و دیلمی، ۱۳۹۰: ۵۶). بیرو منزلت اجتماعی را نفوذ و اعتباری می‌داند که دیگران به شخص به جهت خصایص گوناگون و کم‌وبیش واقعی که به او منتسب می‌دارند، می‌بخشد (بیرو، ۱۳۷۴: ۸).

منظور از بحران منزلت اجتماعی احساس کم‌ارزش قلمدادکردن جایگاه، مقام، احترام و موقعیت یک فرد از جانب افراد یک جامعه است. بحران منزلت اجتماعی به این معنی است که فرد (دانشجو) در نقش اجتماعی خود مقام و شأن اجتماعی‌اش را در خطر فرسودگی احساس کند.

1. Job Ambiguity
2. Evidence Orientation
3. Randall Callins
4. Credential Crisis
5. Credential Society
6. Credentialism
7. Social Dignity Crisis

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

در پژوهش حاضر، برای سنجش متغیر بحران منزلت از چهار گویه استفاده شده است. دامنهٔ پاسخ‌ها کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، و کاملاً مخالفم است.

۵. یافته‌ها

توصیف نمونه

از بین حجم نمونه کل ۳۹۰ نفر ۳۸/۵ درصد را مردان و ۶۸/۵ درصد را زنان و دختران تشکیل داده‌اند. برحسب سن ۱۶/۲ درصد پاسخگویان افراد کمتر از ۲۰ سال، ۵۵/۱ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ سال، ۲۴/۱ درصد ۲۶ تا ۳۰ سال و تنها ۴/۶ درصد بیشتر از ۳۰ سال سن داشته‌اند. براساس وضعیت تأهل ۸۶/۴ درصد پاسخگویان مجرد و ۱۳/۶ درصد متأهل بوده‌اند. از لحاظ وضعیت سکونت ۷۷/۷ درصد ساکن خوابگاه، ۹ درصد دارای منزل شخصی و ۱۳/۳ درصد با والدین خود زندگی می‌کردند.

براساس توزیع پاسخگویان برحسب دانشکده‌های موجود در دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی با ۲۱/۸ درصد و دانشکده علوم دریایی با ۵ درصد به‌ترتیب بیشترین و کمترین سهم پاسخگویان را داشته‌اند. برمبنای ترم تحصیلی، دانشجویان ترم چهار کارشناسی‌ارشد با ۲۵/۶ درصد و ترم دوم با ۲۲/۶ درصد به ترتیب بیشترین سهم را در حجم نمونه تحقیق داشته‌اند و همچنین دانشجویان ترم سه و نه کارشناسی و دانشجویان ترم هفت دکتری با ۳ درصد کمترین سهم را بین ترم‌های تحصیلی داشته‌اند. براساس طبقه اقتصادی پایین، متوسط و بالا تنها ۴/۱ درصد خود را متعلق به طبقه بالا، ۷۳/۱ درصد متوسط و ۲۲/۸ درصد پایین عنوان کرده‌اند.

توصیف ابعاد ناسازی در میدان برون دانشگاهی

براساس نتایج جدول (۴)، ۳/۴ درصد دانشجویان از ابهام اشتغال پایین، ۳۸/۵ درصد متوسط و ۵۸/۱ درصد بالایی برخوردارند. همچنین میانگین شاخص ابهام اشتغال ۱۳/۳۴ است. براساس نتایج جدول (۴)، ۸/۲ درصد دانشجویان از مدرک‌گرایی پایین، ۴۷/۲ درصد از مدرک‌گرایی متوسط و ۴۴/۷ درصد از مدرک‌گرایی بالا برخوردارند. طبق نتایج این جدول، ۸/۲ درصد دانشجویان از بحران منزلت اجتماعی پایین، ۲۱/۴ درصد متوسط و ۷۰/۴ درصد بالای برخوردارند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

جدول ۴. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب ابعاد ناسازی در میدان برون دانشگاهی

ابعاد ناسازی	f				٪				M
	کم	متوسط	زیاد	کل	کم	متوسط	زیاد	کل	
ابهام اشتغال	۱۳	۱۵۰	۲۲۶	۳۸۹	۳/۴	۳۸/۵	۵۸/۱	۱۰۰	۱۳/۳۴
مدرک گرایی	۲۶	۱۴۰	۲۲۳	۱۸۹	۸/۲	۴۷/۲	۴۴/۷	۱۰۰	۱۲/۹۸
بحران منزلت	۵	۹۸	۲۸۶	۳۹۰	۸/۲	۲۱/۴	۷۰/۴	۱۰۰	۱۴/۸۲

جدول ۵ بیانگر توزیع فراوانی و درصدی مقیاس کل بیگانگی دانشگاهی است. براساس نتایج این جدول ۲/۹ درصد دانشجویان از بیگانگی دانشگاهی «کم»، ۵۳/۱ درصد از بیگانگی «متوسط» و همچنین ۴۴/۱ درصد از بیگانگی «زیاد» برخوردارند. همچنین میانگین شاخص بیگانگی کل ۲۴/۹۵ درصد است.

جدول ۵. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب مقیاس کل بیگانگی دانشگاهی

بیگانگی دانشگاهی	بیگانگی کل	
	f	٪
کم	۱۱	۲/۹
متوسط	۲۰۶	۵۳/۱
زیاد	۱۷۱	۴۴/۱
کل	۳۸۸	۰/۱۰۰
میانگین : ۲۴/۹۵		

آزمون فرضیه‌ها

جدول ۶ آزمون میزان همبستگی بین متغیر ناسازی در میدان برون دانشگاهی با بیگانگی دانشگاهی و هر یک از ابعاد آن را نشان می‌دهد. از آنجایی که براساس خروجی این جدول مقدار سطح معناداری در هر چهار مقیاس کوچکتر از (۰/۰۵) است، لذا به این صورت می‌توان استنتاج کرد که جهت رابطهٔ بین ناسازی در میدان‌های برون‌دانشگاهی (ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی و بحران منزلت) با بیگانگی دانشگاهی و هریک از ابعاد آن (بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری و احساس انزوا) مثبت و مستقیم است. در نتیجه هر سه فرضیهٔ تحقیق تأیید می‌گردد. بنابراین با اختلال در هریک از میدان‌های برون‌دانشگاهی (ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی و بحران منزلت) میزان بیگانگی دانشگاهی در بین دانشجویان افزایش می‌یابد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

جدول ۶. آزمون رابطه بین ناسازی در میدان برون دانشگاهی و ابعاد بیگانگی دانشگاهی

متغیر	بیگانگی دانشگاهی و ابعاد آن	*r*	*p*
ابهام اشتغال	بیگانگی دانشگاهی کل	۰/۴۹	۰/۰۰۱
	بی قدرتی	۰/۳۱	۰/۰۰۱
	بی معنایی	۰/۴۸	۰/۰۰۱
	بی هنجاری	۰/۳۰	۰/۰۰۱
	احساس انزوا	۰/۱۱	۰/۰۳
مدرک‌گرایی	بیگانگی دانشگاهی کل	۰/۳۰	۰/۰۰۱
	بی قدرتی	۰/۹	۰/۰۰۱
	بی معنایی	۰/۱۹	۰/۰۰۱
	بی هنجاری	۰/۲۶	۰/۰۰۱
	احساس انزوا	۰/۱۸	۰/۰۴
بحران منزلت	بیگانگی دانشگاهی کل	۰/۵۳	۰/۰۰۱
	بی قدرتی	۰/۴۵	۰/۰۰۱
	بی معنایی	۰/۴۲	۰/۰۰۱
	بی هنجاری	۰/۳۴	۰/۰۰۱
	احساس انزوا	۰/۱۳	۰/۰۳

آزمون مدل نظری

همان‌گونه که آوردیم، در این تحقیق براساس نرم‌افزار AMOS روابط بین متغیرهای مستقل و تاثیرشان بر متغیر وابسته به صورت مدلی تجربی ارائه گردید. مدل‌سازی معادله ساختاری روشی برای آزمون مدل‌های نظری است که در آن خطاهای احتمالی هم در تحلیل مدنظر قرار می‌گیرد. در شکل (۲) ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی و ابعادش بر بیگانگی دانشگاهی مورد آزمون و تبیین قرار گرفته است. نتایج این آزمون نشان داد که جهت رابطه بین ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی بر بیگانگی دانشگاهی مثبت و مستقیم بوده است. همچنین ضرایب بتا نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر در میان ابعاد ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی مربوط به متغیر بحران منزلت (Beta=۰/۷۰)، ابهام اشتغال (Beta=۰/۶۸) و مدرک‌گرایی (Beta=۰/۴۴)، است. میزان بتای کل ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی برابر با (Beta=۰/۶۴) است. در عین حال همهٔ ابعاد ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی (متغیر مستقل) با یکدیگر توانستند ۴۹ درصد از تغییرات بیگانگی دانشگاهی (متغیر وابسته) را مورد تبیین قرار دهند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

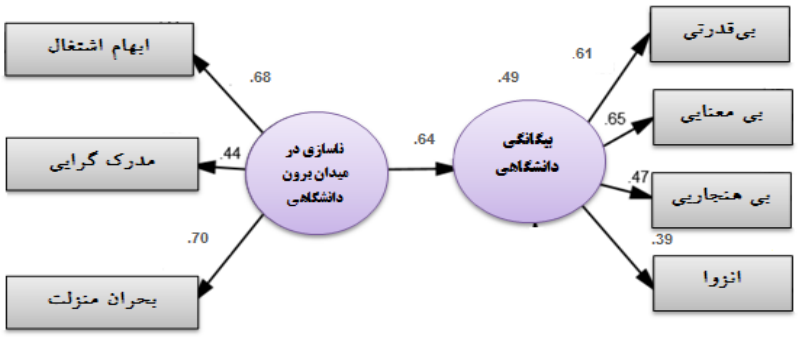

Degrees of freedom=۱۶ p=۰/۱۵ RMSEA=۰/۰۳ R2=۰/۴۹

شکل ۲. مدل تجربی رابطه بین ناسازی در میدان برون دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی

آماره‌های برازش در معادله ساختاری نشان می‌دهند که آیا مدل نظری با داده‌های نمونه‌ای تناسب دارد یا خیر. براساس نتایج مدل و نتایج آماره‌های برازش، تمایزی بین رابطه ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی با داده‌های نمونه‌ای و داده‌های تولیدشده توسط مدل تحلیلی وجود ندارد. همچنین نتایج آماره ریشهٔ دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=۰/۰۳) و شاخص برازش تطبیقی مقصد (CFI=۰/۹۴) بیانگر برازش قابل قبول مدل مسیر هستند. کلاً این آماره‌ها نشان می‌دهند که مدل نظری ما توسط داده‌ها نمونه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است.

جدول ۷. آماره‌های برازش رابطه بین ناسازی در میدان برون دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی

Chi- square	NFI	RFI	IFI	CFI	x^2
۲۲/۸	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۹۰	۰/۹۴	۲/۲۴

۶. بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج تحقیق، حدود ۲/۹ درصد از دانشجویان از میزان بیگانگی دانشگاهی کم، ۵۳/۱ درصد در حد متوسط و ۴۴/۱ درصد از میزان بالای بیگانگی دانشگاهی برخوردارند. براساس یافته‌های تحقیق و با توجه به نتایج ضریب همبستگی بیگانگی دانشگاهی کل (۰/۵۸) و سطح معناداری‌های موجود (۰۰/۰)، بین ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی (ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی و بحران منزلت) و میزان بیگانگی دانشجویان از دانشگاه رابطهٔ مستقیم و مثبتی وجود دارد. مطابق با نتایج یافته‌های تحقیق حاضر، متغیرهای میدان برون‌دانشگاهی (ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی و بحران منزلت) موجب افزایش میزان ناسازی و بیگانه‌شدن دانشجویان نسبت به فرآیند تحصیل و دانشگاه می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده در سطح میدان برون‌دانشگاهی با نتایج

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

تحقیقات پیشین (موسوی و حیدرپور، ۱۳۹۰؛ برزگری دهج، ۱۳۹۰؛ وثوقی و ساری، ۱۳۹۲؛ ذکایی و اسماعیلی، ۱۳۹۳؛ توفیقیان‌فر و حسینی، ۱۳۹۱؛ جعفری، ۱۳۹۳؛ ایجن لی، ۲۰۰۴؛ سیسین، ۲۰۰۶؛ کیوتیستی، ۲۰۱۱) همخوانی دارد.

بوردیو آنچه را سازندهٔ هویت دانشجویان است با مفهوم عادت یا مکان دانشگاهی توضیح می‌دهد. از نظر بوردیو عادت‌واره یا به عبارت دیگر عادت، منش و ساختمان ذهنی، ذوق و سلیقهٔ فرد دانشگاهی و دیگر امور حوزهٔ مناسب (کنش آکادمیک) و عناصر زیست دانشگاهی، درون فرد دانشگاهی متناسب با ساختار اجتماعی معین او شکل می‌گیرد. از این رو در جوامع مختلف عادت‌واره دانشگاهی مختلف شکل می‌گیرد.

براساس یافته‌های تحقیق و نظریهٔ ناسازی بوردیو و همچنین آزمون مدل تحقیق، وقتی افراد تحت فشارهای روانی‌ـاجتماعی از سمت خانواده و جامعه قرار می‌گیرند و تنها تضمین آیندهٔ شغلی خود را در راه‌یابی به دانشگاه می‌بینند و به اجبار نسبت به رشته‌های مورد علاقهٔ خود سرپوش گذاشته و به امید آیندهٔ شغلی مناسب وارد دانشگاه می‌شوند و در این بین زمانی که دانشجو با ابهام و سردرگمی‌های اشتغال متناسب با رشتهٔ تخصصی در حین تحصیل مواجهه می‌شود، یک نوع زده‌شدن از فرایند تحصیل و دانشگاه در او جمع می‌شود و این ابهام اگر در کوتاه‌مدت برای دانشجو روشن نگردد منجر به گسست در میدان درون‌دانشگاهی و کشیده‌شدن این گسست (ناسازی) به میدان برون‌دانشگاهی می‌شود و نتیجهٔ این گسست در میدان‌ها بیگانگی و رهایی افراد از دانشگاه و تحصیل است. همچنین رواج مدرک‌گرایی و نگاه ابزاری به علم و تحصیل در سطح جامعه موجب شده است که افراد دانشگاه و تحصیل را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود ببینند. درواقع افراد در محیط آکادمیک در رفت‌وآمد هستند اما هیچ‌گونه تعلق و انتظامی به فرآیند تحصیل و فرهنگ دانشگاهی ندارند و از هر روشی (کپی‌برداری، سرقت علمی) برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. با توجه به یافته‌های تحقیق در زمینهٔ مدرک‌گرایی و رواج آن در سطح جامعه می‌توان عنوان کرد که حرکت فرایند تحصیلی در بین دانشجویان تحت تأثیر شرایط اقتصادی و کاریابی و همچنین رواج مدرک‌گرایی در جامعه گردیده که خود این امر می‌تواند تبعات شدیدی در زمینهٔ گسست بین محیط دانشگاه و دانشجویان از فرایند یادگیری و تحصیل در پی داشته باشد.

از جمله عوامل مهم دیگری که امروزه در بین دانشجویان دانشگاه‌های کشور به وجود آمده است، بحث بحران منزلت اجتماعی و بی‌ارزشی علم در جامعه است. بدین صورت که شاخص بحران منزلت اجتماعی با ۷۰/۴ درصد نقش بسزایی در بیگانگی دانشجویان از محیط دانشگاه دارد. تداوم این بحران می‌تواند موجب بی‌میلی دانشجویان و دلسردی نسبت به ادامه تحصیل و در نتیجه منجر به ناسازی و گسست بین دانشجویان و دانشگاه شود. زمانی که دانشجو جایگاه و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

موقعیت خود را در جامعه بحرانی ببینند، در مقابل، نسبت به تحصیل و محیط دانشگاه دچار بی‌انگیزگی نقشی می‌شود. در واقع وقتی افراد احساس کنند دیگر علم و تحصیل در سطح جامعه جایگاهی ندارد، این امر در وهلهٔ اول ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی را تشدید می‌کند و در وهلهٔ بعد منجر به دلزدگی از تحصیل و تلاش‌نکردن افراد برای ادامهٔ تحصیل در دانشگاه‌ها می‌گردد. با توجه به نظریهٔ ناسازی بوردیو که به نوعی توضیح‌دهندهٔ روابط نامتعادل بین میدان و عادت‌واره است، در شرایط تعادل بین شاخص‌های میدان برون‌دانشگاهی (ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی و بحران منزلت) و عادت‌واره دانشجویان تناسب وجود دارد، اما وقتی در میدان برون‌دانشگاهی تغییری ایجاد شود عادت‌واره در شرایط عدم تعادل قدرت تطبیق‌پذیری خود را از دست می‌دهد و در این وضعیت ناسازی یا بیگانگی دانشگاهی رخ می‌دهد. براساس نظریهٔ بوردیو و یافته‌های تحقیق، وقتی دانشجویان در وضعیت نامتعادل میدان‌های برون‌دانشگاهی (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) قرار می‌گیرند این وضعیت تطابق آنها را دچار چالش و سردرگمی و در نتیجه موجب شکل‌گیری پدیدهٔ ناسازی و گسست می‌شود. درواقع دانشگاه میدانی است که دانشجویان برای کسب و ارتقای سرمایهٔ فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی خود در آن تلاش می‌کنند؛ اما در این میدان‌ها تغییراتی رخ می‌دهد که با عادت‌واره و اهداف دانشجویان سازگار نیست. در عین حال منش دانشجویان تحت تأثیر همین ناسازی‌ها برون‌دانشگاهی قرار می‌گیرد و این عدم تطابق در میدان برون‌دانشگاهی و منش موجب ناسازی و بیگانگی دانشگاهی در بین دانشجویان می‌شود.

پیشنهادها

برای کاهش بیگانگی دانشگاهی، سیاست‌های آموزشی وزارت علوم باید به سمتی حرکت کند که پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها متناسب با نیازهای جامعه و فراهم‌بودن بستر و شرایط ساختاری‌ـآموزشی مناسب در دانشگاه‌ها باشد. همچنین سیاست‌گذاری‌های نظام آموزشی کشور در مورد افزایش دانشگاه‌های مختلف و پذیرش بیش از حد دانشجو نسبت به توان کیفی دانشگاه باید مورد توجه قرار گیرد. با انجام تحقیقات کلان جامعه‌شناختی می‌توان به عوامل ریشه‌ای ناسازی در سطح میدان برون‌دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی در میان دانشجویان از فرایند تحصیل و یادگیری پی برد. بازنگری و حذف یک سری رشته و گرایش‌ها در گروه‌های مختلف تحصیلی بخصوص در گروه علوم انسانی که کاربردی نه برای توسعهٔ دانشگاه‌ها و نه برای جامعه دارند می‌تواند به پویایی نظام آموزش عالی کشور کمک شایانی کند. یکی از بحران‌هایی که جامعهٔ دانشگاهی را با خطر فرسایش علمی مواجه کرده است، بحث رواج مدرک‌گرایی و ابزاری‌شدن آن در جهت رسیدن به اهداف اقتصادی در بین افراد جامعه است. انجام تحقیقاتی در این زمینه برای مقابله با ابزاری‌شدن علم و رواج مدرک‌گرایی در سطح

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

جامعه می‌تواند مؤثر و راهگشا باشد. فراهم بودن بستر و شرایط مناسب حمایت سازمان‌های خصوصی برای انجام پایان‌نامه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز می‌تواند منجر به ایجاد و افزایش انگیزه در بین دانشجویان نسبت به فرایند تحصیل و علم گردد و همچنین از روند ابهام و نگرانی آنها نسبت به آیندهٔ شغلی که باعث بیگانه‌شدن آنها از فرایند تحصیل و دانشگاه گردیده جلوگیری به عمل آید.

منابع

ابدالی، هاجر (۱۳۹۰) بررسی میزان ازخودبیگانگی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

بنی‌فاطمه، حسین و زهره رسولی (۱۳۹۰) «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن»، *فصلنامه جامعه‌شناختی کاربردی*، ۲۲(۴۱): ۱ـ۲۶.

بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱) *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.

بیرو، آلن (۱۳۷۴) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.

توفیقیان‌فر، حسن و احمد حسینی (۱۳۹۱) «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه جوانان شهر یاسوج)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۳(۸): ۴۵-۵۸.

جانسون، لزلی (۱۳۷۸) *منتقدان فرهنگ: از ماتیو آرنولد تا ریموند ویلیامز*، ترجمه ضیاء موحد، تهران: انتشارات طرح نو.

جعفری، نسترن (۱۳۹۳) عوامل اجتماعی و بیگانگی تحصیلی (تحلیل جامعه‌شناختی) در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی شهرستان بجنورد، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. منتشرنشده، دانشگاه مازندران، مازندران.

حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۸۸) «بررسی رابطه ازخودبیگانگی و منزلت علمی در میان اعضای هئیت علمی دانشگاه یزد»، *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، ۲(۳): ۱۳۵ـ۱۶۸.

حمدی، اکبر (۱۳۹۲) بررسی جامعه‌شناختی بیگانگی تحصیلی در میان دانش آموزان سال سوم متوسطه شهرستان ملکان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده، دانشگاه مازندران، مازندران.

ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۸) «بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی، پژوهشی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران»، *ماهنامه جشنواره بین‌المللی فارابی*، ۱۳: ۸۲ـ۹۰.

ذکایی، محمدسعید و محمدجواد اسماعیلی (۱۳۹۰) «جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۴(۴): ۵۵ـ۹۰.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

ذکایی، محمدسعید و محمد جواداسماعیلی (۱۳۹۳) *جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی ایران.

رحمان‌پور، سعید (۱۳۸۹) بررسی میزان بیگانگی اجتماعی جوانان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده، دانشگاه تبریز، تبریز.

رضایی‌سپاسی، رعنا و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی علل عدم اشتغال در بین دانش‌آموختگان رشتهٔ مامایی دانشگاه علوم پزشکی قزوین»، *مجله توسعهٔ آموزش در علوم پزشکی*، ۳ (۴): ۲۵ـ۲۰.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۱) *موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن*، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

ریتزر، جورج (۱۳۸۹) *مبانی نظری جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: انتشارات ثالث.

زکی، محمد (۱۳۸۸) «بیگانگی اجتماعی جوانان، مطالعه موردی دانشجویان دختر وپسر دانشگاه اصفهان»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ۳: ۲۹ـ۶۰.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۵) *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سعیدی، حسام و صارم دیلمی معزی (۱۳۹۰) «بحران و مدیریت (بحران در سازمان)»، *ماهنامه کنترل کیفیت*، ۷(۴۵): ۵۶ـ۶۱.

سیدمن، استیون (۱۳۸۶) *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.

علمی، محمود و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی رابطه بیگانگی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲(۶): ۱۵۴ـ۱۳۱.

عمرانی‌دهکهان، سجاد (۱۳۹۳) بررسی نقش یادگیری اجتماعی در تقلب علمی میان دانشجویان دانشگاه هرمزگان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده، دانشگاه مازندران، مازندران.

فاضلی، نعمت‌الـله (۱۳۸۲) «بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا (مطالعه انسان شناختی در علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران)»، *نامه انسان‌شناسی*، ۱(۳): ۱۳۲ـ۹۳.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

قاضی طباطبایی، محمود و هادی مرجایی (۱۳۸۰) «بررسی عوامل مؤثر بر خوداثربخشی دانشگاهی دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکتری دانشگاه تهران»، *فصلنامه پژوهشی و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۱۹: ۳۱ـ۵۷.

قانعی‌راد، محمدامین (۱۳۷۹) *جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران*، تهران: نشر مدینه.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۳) «مشکلات اجتماعی، توسعه ناموزون آموزش عالی، بیکاری دانش آموختگان و مهاجرت نخبگان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۴(۱۵): ۱۶۹ـ۲۰۸.

گرنفل، مایکل (۱۳۸۹) *مفاهیم کلیدی پی‌یر بوردیو*، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نشر افکار.

مساروش، ایشتوان (۱۳۸۰) *نظریه بیگانگی مارکس*، ترجمه حسن شمس‌آوری و کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز.

موسوی، سیدکمال‌الدین و سکینه حیدرپورمرند (۱۳۹۰) «تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی تحصیلی دانشجویان، مطالعه موردی دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۸۷ـ۸۸»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۵۶: ۳۵ـ۷۱.

نادری، حمدالـله و همکاران (۱۳۸۸) «الگوسازی ساختاری رابط بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۴: ۲۹ـ۶۰.

واکو وانت، لویک (۱۳۸۱) (پی‌یر بوردیو) *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میرداماد، تهران: نشر مرکز.

وثوقی، منصور و محسن ساری (۱۳۸۷) «بیگانگی اجتماعی قشر جوان، مطالعه موردی جوانان شهر تهران»، *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، ۱(۱): ۱۷۳ـ۱۹۵.

ـــــــــــــــ (۱۳۹۲) «گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی جوانان (تحقیقی در شهر تهران)»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵(۳): ۸۹ـ۱۰۶.

ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۰) «تأملی بر پدیدهٔ مدرک‌گرایی در جامعه»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، *مجموعه مقالات همایش مسائل اجتماعی ایران*، ۳: ۱۷۹ـ۱۹۲.

Asimaki, A. & Koustouraski, G. (2014) ‘Habitus: an attempt at a Thoroughanalysis of a Controversial Concept in Pierre Bourdieu’s Theory of Practice’, *Social Sciences*, 3(4): 121-131.

Atnafu, M. (2013) ‘Motivation, Social Support, Alienation from the School and Their Impact on Students’ Achievement in Mathematics: The Case of Tenth Grade Students’, *Ethiopian Journal of Education and Sciences*, 8(1): 53-74.

Cecen, A. R. (2006) ‘School Alienation: Gender, Socio-Economic Status and Anger in High School Adolescents’, *Educational Sciences: Theory & Practice*, 6(3): 721-726.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]

Civitci, N. (2011) 'School Alienation and Perceived Social Support as Predictor of School Anger in High School Student', *Elementary Education*, 10(3): 861-871.

Drotos, S. M. (2011) 'Awareness, Adaptation and Alienation: Challenges of the Frit-Generation American College Experience', *Comparative & International Higher Education*, 3: 46-50.

Eric Eugene Lee (2003) Cultural Mistrust, University Alienation, Academic Self-Efficacy and Academic Help Seeking in African American College Students.

Fraser, Kari & Eccles Jacquelyn, S. (1995) 'Academic Alienation and Adolescent's Possible Selves: How School Experiences Shape Visions of the Future', Poster Presented at *the Biennial Meeting of the Society for Research on Child Development- Indianapolis*, USA.

Hakhoe, Chi, T. K. (2004) 'The Influencing Factors on Alienation in High School Students ',Journal of Korean Academy of Nursing, 34(1): 45-52.

Johnson, G. M. (2005) 'Student Alienation, Academic Achievement, and WebCT Use', *Educational Technology & Society*, 8(2): 179-189.

Kumar, S. (2011) 'Alienation in Relation to Emotinal Ihtelligence of College Students with Visual Impairment and Normal Vision', *Journal of Golden Resrach Thought*, 1: 1-40.

McDonough, P. & Polzer, J. (2012) 'Habitus, Hysteresis and Organizational Change in the Public Sector', *Canadian Journal of Sociology*, 37(4): 357-380.

Rayse, S. L., Holstein, B. E., & kreiner, S. (2008) 'Aspects of Alienation and Sympton Load among Adolescents', *The European Journal of Public Health*, 19(1): 79-84.

Tina, H. & Gerda, H. (2011) Alienation from School – a Problem Occurring During Early Adolescence, Unpublished Dissertation, University of Salzburg, Austria.

Walther, M. (2014) Repatriation to France and Germany: A Comparative Study Based on Bourdieu's Theory of Practice. Springer.

Rovai, A. P. & Wighting, M. J. (2005) 'Feelings of Alienation and Community among Higher Education Students in a Virtual Classroom', *The Internet and Higher Education*, 8(2): 97-110.

Jalal, S. (2011) 'Self-Reported Health and Social Alienation in Swedish Adolescents: A Cross-Sectional Study among High-School Students in Stockholm', Lnst for Neurobiology, Vardvetenskap Och Samhalle/ Dept of Neurobiology, Car Sciences and Society.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1]